

جلسه چهارم شرح صدر

«نشانه‌های شرح صدر بزرگان»

۱- راه‌های ایجاد شرح صدر

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم «وَ ذَا
النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي
الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ -
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ»^۱

موضوع بحث ما در هفته‌های گذشته درباره‌ی شرح صدر بود
که چند مرتبه خدای تعالی در قرآن از این مسأله یاد فرموده و

۱ - سوره انبیاء، آیه ۸۷ و ۸۸.

این مسأله را نسبت به خودش داده و اگر حضرت موسی هم دعا می‌کند از خدا شرح صدر می‌خواهد و به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که خدا منت می‌گذارد می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»^۲ در اینجا هم شرح صدر را به خودش نسبت می‌دهد و بالأخره شرح صدر از چیزهایی است که باید خدا عنایت کند. اگر چه یک سر قضیه دست خود انسان است. انسان باید تزکیه نفس کند تا به تدریج در کنار تزکیه نفس شرح صدر برایش به وجود بیاید. وقتی که انسان مراحل تزکیه نفس را گذراند از همان ابتدای یقظه به مناسبت مراحل شرح صدر هم به وجود می‌آید. البته در اسلام کسانی شرح صدر کامل

۲ - سوره انشراح، آیه ۱.

پیدا می‌کنند و کسانی باید در رأس امور واقع شوند که شرح صدر داشته باشند. ما در قرآن و احادیث بیشتر از همه چیز مشاهده می‌کنیم که کسانی که در رأس امور می‌خواهند قرار بگیرند اعم از امور علمی یا سیاسی و یا اجتماعی باید شرح صدر داشته باشند. لازمه‌ی این گفتار و اینکه باید شرح صدر داشته باشند تزکیه نفس است راه دیگری ندارد.

۲- لزوم شرح صدر برای کسانی که در رأس امورند

چون اگر بخواهیم جمع کنیم مطالب را باید این طوری عرض کنیم که کسی که می‌خواهد در رأس امور مردم واقع شود، وکیل مردم باشد، رئیس بر جمهور مردم مسلمان باشد، مرجع تقلید

مردمِ مسلمان باشد یا بالأخره مدیر یک اداره‌ای باشد از آیات و روایات استفاده می‌شود که حتماً در مرحله‌ی اول باید یک مرد پاک و تزکیه نفس شده باشد، هر انسان بی‌بند و بار، هر ظالم ستمکار، هر رشوه‌خوار بی‌علم و دانش نباید در رأس امور مردم مسلمان واقع شود، اگر شد همان ظلم و جور که قبل از ظهور حضرت بقیه الله عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ به وجود می‌آید و آمده به وجود خواهد آمد. لذا مرجع تقلید، آن کسی که مقام رهبری را به عهده می‌گیرد شرایطش را امام عَلَيْهِ السَّلَامُ تعیین فرموده: «صائناً لنفسه، حافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالِفاً لِهَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ»^۳ باید این خصوصیات را داشته باشد، این خصوصیات همان

۳ - وسائل الشیعه، ص ۱۶، باب ۴، ح ۳۳.

مراحل تزکیه نفس است و لازمه‌ی مراحل تزکیه نفس شرح صدر کامل است. وقتی که این مراحل را طی کرد، این مراحل را در خودش به وجود آورد یک شرح صدوری پیدا می‌کند که به هر حرفی نمی‌رنجد و هر مشکلی را تحمل می‌کند. چرا؟ به خاطر اینکه «صَائِنًا لِنَفْسِهِ» است، مرحله‌ی استقامت را گذرانده است، دارای استقامت است. اگر دارای استقامت نباشد به اندک ترساندنی می‌ترسد و تحت تأثیر یهود و نصاری واقع می‌شود که خدای تعالی در قرآن مکرر فرموده: «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ»^۴ یهود و نصارا را ولی خود قرار ندهید، آن قدر دارای استقامت باید باشد که نه پول، نه مقام،

۴ - سوره مائده، آیه ۵۱.

نه ریاست، هیچ چیز او را تحت تأثیر قرار ندهد و تنها و تنهای چیزی که او را تحت تأثیر قرار می دهد اطاعت پروردگار و خدای عزیز باشد. اگر یک فردی که می خواهد در رأس امور جامعه بالاخص مرجعیت و ریاست های بزرگ باشد باید حتماً در صراط مستقیم باشد یعنی یک رئیس جمهور مسلمان باید حتماً مسلمان باشد، باید حتماً تابع اسلام باشد، باید حتماً تمام آیات قرآن را منظور کند و از قرآن و عترت انحراف پیدا نکند والا ممکن است زندگی مردم مسلمان را به باد هوا بدهد.

کسی که می خواهد رئیس یک جمعیتی باشد، رئیس کُل مردم مسلمان باشد، رهبر کُل مردم مسلمان باشد، باید حتماً جهاد با نفس کرده باشد. اگر هوای نفسش ایجاب کرد که مثلاً فلان

کار را بکند و مصالح مردم را در نظر نگیرد شما می دانید چه فاجعه ای به وجود می آید. امروز آقا دلش می خواهد فلان کار را بکند. شما اکثراً جوان هستید و شاید ندیده باشید ولی ما دیدیم، گاهی در رژیم گذشته یک فرد تصمیم می گرفت یک کاری را بکند چون دلش می خواست، تمام مردم ایران به طور کلی در فشار واقع می شدند، شما می بینید مردم ایران در شب عاشورا یا شب یازدهم محرم یک حال و هوای دیگری در عزاداری دارند، در گذشته قبل از آنکه در رأس امور مردم ایران یک فقیه واقع شود این طور بود که شب یازدهم محرم به یک مناسبتی جشن مفصلی می گرفتند و مردم را مجبور به جشن می کردند، عزاداری نمی کردند، یک روز عاشورایی چند سال قبل من در زمان صدام در کربلا بودم، احدی حق گفتن «یا

حسین» در حرم سید الشهداء علیه السلام، در صحن امام حسین علیه السلام نداشت، چرا؟ به خاطر این که یک مرد هواپرست، یک مردی که تزکیه نفس نکرده این در رأس کار واقع شده بود و دوست نداشت که مردم سینه بزنند یا اجتماع کنند، ولی دیدید که چه به سرش آمد، گاهگاهی پروردگار «اعوذُ بِاللّهِ مِنْ غَضَبِ الْحَلِيمِ» پناه ببرید از غضب خدای حلیم، از غضب انسان حلیم، صبر می کند وقتی که چوبی بزند صدا ندارد و دوا هم ندارد، ببینید چه بدبختی دچار هم آن باصطلاح شاه گذشته و هم صدام شد.

پس باید شخصی که در رأس کار قرار می گیرد تزکیه نفس کرده باشد، جهاد با نفس کرده باشد، تحت تأثیر دشمنان واقع نشود، از هیچ چیز نترسد، اعتماد به خدا داشته باشد،

قاطعیت داشته باشد و بالأخره صبور و دارای شرح صدر باشد. تحت تأثیر حرف مردم واقع نشود، به مجرد اینکه آمدند به این رئیس یا رهبر یا هر فردی که جنبه‌ی ریاست ولو در رأس یک خانه‌ای قرار گرفته یک چیزی گفتند او هم ترتیب اثر داد و افرادی را از دور خودش پراکنده کرد برخلاف شرح صدری که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت.

۳- نشانه شرح صدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی که با مردم معاشرت می‌کرد تا می‌توانست آنچنان مهربانی می‌فرمود که خدای تعالی با آن

عظمتش می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۵ ای پیغمبر تو خلق عظیمی داری، اگر یک بزرگ، یک عظیم به یک شخصی یک صفت را عظیم معرفی کند خیلی عظیم است و بعد بفرماید اگر تو مهربان نبودی، «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ»^۶ ای پیغمبر - این جا مربوط به شرح صدر است - ای پیغمبر از رحمت خدا نصیب شده، خدا به تو مهربانی کرده، خدا به هر کسی مهربانی نمی کند. به آن هایی که در راه او حرکت کرده اند مهربان است، خدای تعالی رحیم است به مؤمنین خاصه، مهربانی خاصش که یک بخشش دادن شرح صدر است این مهربانی را به افراد تزکیه نفس شده می دهد.

۵ - سوره قلم، آیه ۴.

۶ - سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

«فَبِمَا رَحْمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَأُنْتَ لَهُمْ» ملایم شدی با مردم، تندی نمی‌کنی با مردم، افراد خبیثی دور پیغمبر بودند که دیدید بعد از پیغمبر چه‌ها کردند و چقدر مصیبت به بار آوردند، در عین حال پیغمبر به همان‌ها هم چون خدا رحمان است، رحمانیت خدا برای همه هست، خدای تعالی آن صفتش را هم به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عنایت کرده و لذا نسبت به این دشمنان فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آنچنان مهربان بود که مردم نمی‌فهمدند که این شخص یک باطن خبیثی دارد و آن شخص یک باطن پاکی دارد. فرقی بین آن‌ها نمی‌گذاشت، چرا؟ به خاطر اینکه «فَبِمَا رَحْمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَأُنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ» اگر یک فرد تندخوی بداخلاقی می‌بودی، اگر زود حوصله‌ات سر می‌رفت،

اگر شرح صدر نمی داشتی، «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَأَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» از دورت پراکنده می شدند، هیچ کارگری
پشت کار نمی کرد، هیچ کارمندی زیر دست کار نمی کرد،
برای دفعه ی دوم تو را برای ریاست قبول نمی کردند، برای
مرتبه دوم، حالا یک دفعه اشتباه کردند، دفعه ی دوم تو را برای
وکالت انتخاب نمی کردند، اگر تو یک فرد تندخوی،
بد اخلاق، خودخواه - چون بد اخلاقی و تندخویی از
خودخواهی برمی خیزد - اگر این طوری بودی مردم از دورت
پراکنده می شدند، همه اول کار ضعیف الایمان بودند، اولی
که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مبعوث شدند همه ایمانشان ضعیف
شد تا کم کم آیات قرآن، تا کم کم اخلاق پیغمبر، تا کم کم به

مسائل و احکام علمی و حقیقی مردم متوجه شدند و ایمانشان آن هم یک عده تقویت شد.

۴- نشانه شرح صدر سلمان

پس می بینید شرح صدر با تزکیه نفس جلو می آید. انسان اگر به مرحله ی کامل تزکیه نفس رسید یک بنده ی واقعی خدا شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که خب حسابش جداست، می بینیم سلمان را، یک مرد فارسی، یک فردی که از شیراز حرکت کرده دنبال حقیقت است، تزکیه نفس کرده و اساتید مختلفی دیده و به محضر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است، یک روز یکی از منافقین از او سؤال کرد: سلمان بگو بینم ریش تو بهتر

است یا دم سگ؟ شرح صدر را ببینید! زبانی یاد گرفتن مهم نیست، باطنش انسان عصبانی نشود مهم است، شرح صدر این است که گفت اگر از صراط عبور کردم، در صراط مستقیم بودم و به بهشت رسیدم ریش من والا دم سگ، ببینید.

۴- نشانه شرح صدر امیرالمومنین علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «وَلَقَدْ أَمَرْتُ عَلَى اللَّيْمِ يُسُبُّنِي» بر یک مرد پستی عبور کردم چون معرفی اش نمی کند اشکالی ندارد که این طوری بفرماید، داشت به من فحش می داد «يُسُبُّنِي» من چه کردم؟ «فَمَضَيْتُ» گذشتم، «ثُمَّ قُلْتُ مَا يَغْنِينِي» این علی دیگری منظور است، من را منظور نکرده، بر

فرض هم او را منظور کرده باشد و اسم ببرد و توی رویش هم
بایستد این علی همان علی بن ابیطالبی هست که با همه‌ی
قدرت که در جنگ نهروان چهار هزار جمعیت به خاک
هلاکت می‌اندازد، همین علی پر قدرت ریسمان را به گردنش
می‌اندازند، زنش را کتک می‌زنند، مجروحش می‌کنند برای
اینکه پیغمبر فرموده، برای اینکه خدا دستور داده، برای اینکه
شرح صدر برای همین جاها بدرد می‌خورد، هیچی نمی‌گوید،
اینکه شنیدید «ازتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً»^۷ معنی‌اش این
نیست که همه مرتد شدند، معنایش این است که یک عده از
مسلمان‌ها در دل‌شان گفتند: چرا علی سکوت کرد؟! همین

۷ - اختصاص، شیخ مفید، ص ۶ - ۱۰.

چرا یک نحوه ارتداد است، یعنی عمل علی بن ابیطالب علیه السلام را با چرا روبه رو کردند، والاّ بخواهیم حساب کنیم همان جمعیتی که همه مان به آن ها معتقد هستیم مثل سلمان و ابی ذر و مقداد و امثال این ها بیشتر از این جمعیت، این سه نفر می شوند، ولی در دل شان، این علی همان علی در خیبر کن است! این علی همان علی است که عمرو بن عبدود را به زمین زد! این علی همان علی است که در تمام جنگ ها فاتح بود؟ این چرا در مقابل یک نَعَثَل، بوزینه، یک مرد ضعیف ترسو که خودش گفت: من هیچ وقت فراموش نمی کنم در جنگ احد وقتی ما مسلمان ها دیدیم کار خیلی وضعش درست نیست، داریم شکست می خوریم فرار کردیم، علی بن ابیطالب را دیدم با شمشیر عقب سر ما که اوّل شما

مردم مسلمان ضعیف را باید از پا درآورد بعد کفار، آن قیافه را که دیدم هر وقت یادم می‌آید تنم می‌لرزد، امّا امروز که آن یهودی گفت- شرح صدر این فواید را دارد- آن یهودی گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَسَلَّمَ» گفتند: تو تا به حال مسلمان نشدی حالا چرا؟ گفت: این مرد (امیرالمومنین علیؑ) من را مسلمان کرد، «كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^۸ شهادت علی علیہ السلام، شهادت علی به رسالت پیغمبر دلیل بر این است که پیغمبر فرستاده‌ی خداست، خدا می‌گوید «قُلْ كَفَى» ای پیغمبر به مردم بگو کفایت می‌کند شهادت خدا که یک معنای

۸ - سوره رعد، آیه ۴۳.

مفصلی دارد و من در بعضی از کتاب‌هایم توضیح دادم، «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» که همه‌ی مفسرین نوشتند این شهادت مربوط به علی بن ابیطالب علیه السلام است. علی شهادت می‌دهد که رسول خدا از جانب خدا است. یهودی گفت: من می‌فهمم که این مرد با خداست، این مرد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را قبول دارد، این مرد می‌داند که پیغمبر از جانب خداست، والاّ برای یک انسان معمولی، یک انسانی معمولی نه یک انسان معمولی، یک انسانی که تزکیه نفس هم کرده، یک انسانی که ولی خدا هم شده ببیند زنش را، نه زن معمولی! کوثر خدا، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، آن کسی که همه‌ی ائمه به وجودش افتخار می‌کنند این شخص را در مقابل چشمش بزنند، نه کتک بزنند، پهلویش را بشکنند، محسنش را سقط کنند، این همه

اذیت و آزار کنند، چون فاطمه‌ی زهرا علیها السلام می‌دانست که علی مأمور به صبر است صدا نزد «یا علی خذنی» ای علی من را بگیر، بلکه صدا زد: «یا فضه خذینی».

فاطمه آمد در خانه به علی بن ابیطالب علیه السلام می‌گوید: مثل بچه در رحم زانو در بغل گرفته ای و نشسته ای؟ نه به عنوان اعتراض، به عنوان اینکه شرح صدر علی بن ابیطالب علیه السلام را به ما امروز بفهماند که علی چقدر شرح صدر داشت، چه بود؟ شما فکر می‌کنید این مصائبی که بر خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شد این مصائب یک مصائب معمولی بود؟ ما از بس که زیاد شنیدیم حالا دیگر برایمان عادی شده والا آن چه بر علی گذشت، علی بن ابیطالب علیه السلام باید مردم مسلمان را بعد از پیغمبر نگه بدارد، از انحراف نگه بدارد، آن وقت

ببیند یک جاهلی که جاهل‌ترین مردم در زمان خود که من اثبات می‌کنم جاهل او را بر همه چیز و نه من بلکه از کتب اهل سنت در کتاب الغدیر ثابت شده که این‌ها از دین اطلاعاتی نداشتند، آن وقت یک فردی که مسئول است، می‌بیند مردم منحرف دارند می‌شوند اینجا بود که صدا زد که من شما می‌دانید آن اولی هم می‌دانست که: «مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى»^۹ مقام من در مسأله خلافت مانند یک نقطه پرگار است که باید همه چیز دور او بچرخد ولی او با اینکه می‌دانست من صبر کردم، «فَصَبَرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَذَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَا» خیلی شرح صدر می‌خواهد بیست و پنج سال

۹ - نهج البلاغه، خطبه ۳، خطبه شقشقیه.

یک کسی که مسئول یک تشکیلاتی است و خدا هم مسئولیت را از او سلب نکرده، ببیند آن‌هایی که باید زیر فرمانش باشند این همه انحراف دارند و بالاتر از همه، شما فکر نکنید تنها بیست و پنج سال بود، بعد از بیست و پنج سال، وقتی که علی بن ابیطالب علیه السلام آمد خلیفه شد، با اصطلاح این‌ها و مردم جمع شدند، حضرت نمی‌پذیرفت، چون می‌شناخت این‌ها را نه اینکه مسئولیت نمی‌پذیرفت، بعضی‌ها خیال می‌کنند مسئولیت خلافت علی بن ابی‌طالب علیه السلام از ناحیه‌ی شخص خودش بوده، می‌خواهد بپذیرد، می‌خواهد نپذیرد، این طور نیست. خدا او را خلیفه قرار داده، مسئول بود، موظف بود، منتها مردم نمی‌پذیرفتند.

۵- نمونه‌هایی از بی شرح صدری خوارج

خوارج یک عده افراد مقدس ولی تزکیه نشده، عابد زاهد ولی تزکیه نشده، افراد نماز شب خوان ولی اعتقادات ناصحیح، یک شب در مسجد الحرام یک جوانی را دیدم آنقدر اشک ریخت، آنقدر گریه می‌کرد، یک حال عجیبی داشت شاید ساعت‌ها مشغول عبادت بود، ولی معتقد نبود که علی خلیفه‌ی بلا فصل پیغمبر است، این چه فایده دارد؟ من مکرر مثال زدم اگر یک سربازی در پادگان این شب تا صبح برای فکر خودش، بدون فرماندهی به چپ چپ، راست راست این کارها را بکند، تا صبح مشغول باشد، ولی سر صف یک دقیقه هم تحت فرمان نباشد، آن سرباز را می‌گویند دیوانه است بیرونش کنید حالا اگر شب تا صبح انسان نماز بخواند،

تمام دوره‌ی سال را روزه بگیرد، هر سال پیاده به مکه برود،
بین رکن و مقام هم کشته بشود ولی تحت فرمان ولی خدا،
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نباشد این مثالش همان
مثال آن سرباز است، یک دیوانه است، دیوانه‌ی دیوانه،
نگویید: اِ، این همه زحمت کشیده، مگر آن سرباز دیوانه در
اتاق خودش زحمت نکشید؟ شب تا صبح نخوابیده و هی
بلند شده خبردار ایستاده، خضوع دارد، خشوع دارد همه چیز
دارد، حالا کی به او گفته این کارها را بکند؟ هر کاری، هر
امری، هر دستوری، اگر از جانب خاندان عصمت علیهم السلام نباشد
طبق روایات صحیح ما، و طبق روایاتی که اهل سنت حتی
نقل کردند و طبق صریح قرآن، صریح قرآن این شخص
بی‌ارزش است تمام کارهایش ارزشی ندارد، تو یک دانه

صلوات با دستور بفرست بهتر از این است که تمام این کارها را بکنی، ده دقیقه صبحگاه در پادگان حاضر بشو طبق برنامه هر چه فرماندهات می گوید انجام بده برو بگیر بخواب در خانه، تو سرباز خوبی هستی. اما اگر نه این طور نبودی آن طور بودی یک سرباز دیوانه ای که تو را از توی پادگان هم بیرون می کنند، این دیوانه است. واقعاً این طور است. ما مردم، مردم مسلمان حتی گاهی شامل حال بعضی از شیعیان هم می شود، آن چه که به آن اهمیت دادند، دستور دادند ما عمل نمی کنیم آنچه را که خودمان دل مان می خواهد عمل می کنیم. معنی شرح صدر این است که حضرت می بیند این ها همه نماز شب خوان هستند، نهروانی ها اهل عبادت بودند. خوب فیلمی درست کرده بودند فیلم علی بن ابیطالب

را راجع به ابن ملجم، ابن ملجم یکی از آن مقدس‌های نهروانی بود، ولی چون تزکیه نفس نکرده بود با یک نگاه قَظّام حاضر شد آن کار خطرناک را بکند، نهروانی بود، شرح صدر نداشت، تزکیه نفس نکرده بود.

آن قدری که ما برای مراسم عید نوروز، من نمی‌خواهم خیلی مخالفت کنم به همه‌تان هم تبریک می‌گویم برای عید نوروز، ولی آن قدری که برای مراسم ما مقید هستیم، آیا برای نماز شب مان مقید هستیم؟ آیا برای کارهای دینی و مذهبی مان که از جانب ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده مقید هستیم؟ دیشب شب جمعه بود چند مرتبه از خدا خواستید که حالتان را به احسن حال تبدیل کند؟ می‌گویید یادمان رفت، شب جمعه شب دعا هست، شب استجاب دعا هست، از طرف خدا

فرستاده می شود ملائکه ای را در آسمان اول که آیا حاجتمندی هست در خانه ی خدا بیاید حاجتش را بخواهد؟ آیا گناهکاری هست بیاید استغفار کند؟ دیشب چکار کردیم؟ شما را نمی گویم ولی در موقع سال تحویل، حرم و صحن حضرت رضا خوب هایشان می روند آنجا، و حضرت معصومه چقدر گفتند: «یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر الليل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حوّل حالنا الى احسن الحال» ان شاء الله دعایتان مستجاب است، ولی بهتر این بود که شب جمعه هم یک مرتبه می گفتید، بهتر این بود که یک صلوات می فرستادید، یک مرتبه همین دعا را، این دعا وارد نشده، از ناحیه معصوم هم نیست، سندش هم درست نیست. ولی حُب دعاست، خوب دعایی هم هست،

همین دعا را یک دفعه بخوانید یک دفعه هم بعدش صلوات بفرستید خدا می فرماید من حیا می کنم از این که اول دعایی را بپذیرم، آخرش را بپذیرم، وسطش را نپذیرم، هر وقت خواستید دعا کنید این طوری دعا کنید.

شرح صدر علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس که آنجا می زند نهروانی ها را از بین می برد، چون ضررشان حتی از اصحاب معاویه بیشتر بود، ضرر داشتند. آدم نمی تواند بعضی وقت ها بعضی از مقدس ها را بگوید اشتباه می کنند، آدم به این خوبی، مخصوصاً خوبی هایی که با اصطلاح ما و طرحی که ما در ذهنمان است، خوبی ها با هم تفاوت دارد. یک آدم خوب می دانید کیست؟ یک اتاقی پایین شهر داشته باشد، یک زیلویی هم انداخته باشد، یک کاسه ای هم که در آن خرما نم

کرده باشد داشته باشد و مشغول نماز هم باشد! ما یک
همچین آدمی را آدم خوب می‌دانیم، یک آدمی که مثلاً مثل
حضرت سلیمان باشد، ثروت زیاد، محبتش به خدا زیاد، یک
سرسوزن علاقه به دنیا نداشته باشد. خدای تعالی آنقدر
کمکش کرده باشد که نه بعد از او، و نه قبل از او کسی به حدّ
او عظمت پیدا نکرده باشد، این را ما قبول نداریم، بابا این آدم
با این ثروت، با این وضع، چطور می‌شود آدم خوبی باشد؟ من
می‌گشتم ببینم این القاء را چه کسی کرده در دل ما کرده
است؟ در کتاب‌ها یک وقتی می‌گشتم حوصله‌اش را داشتم،
دیدم این صریح کتاب انجیل است. در انجیل یک فصلی
است، درباره‌ی این که آدم‌های ثروتمندِ فعال به سعادت
نمی‌رسند، اصلاً فصلی است، یادم رفته که الان بگویم در چه

صفحه‌ای ولی انجیل آنقدر بزرگ نیست، پنجاه صفحه بیشتر نیست شما می‌توانید ورق بزنید پیدا کنید، این طوری، علی بن ابیطالب علیه السلام با اصحاب معاویه برخورد می‌کرد که معاویه آنقدر سر و کله این‌ها را خراب کرده بود، مغز این‌ها را عوض کرده بود که باورش‌شان نمی‌آید که علی بن ابیطالب نماز بخواند، آقا جوسازی‌هایی گاهی در امور سیاسی می‌شود که افراد بد خوب معرفی می‌شوند و افراد خوب بد معرفی می‌شوند. علی بن ابیطالب علیه السلام با یک عده دیگر هم همین‌طور برخورد داشت مجبور بود سه جنگ در مدت چهار سال با این مردم مسلمان داشته باشد و بعد هم که یک قدری می‌آمد با مردم خودش، آن‌هایی که حالا با اصطلاح کنار علی بن ابیطالب علیه السلام هستند یک کاری را خلاف آنچه که آن سه

خلیفه‌ی گذشته کردند بکند صدایشان بلند می‌شد، «واسنه همراه» این سنت را حضرت عمر گذاشته شما چرا بهم می‌زنید؟ خیلی عجیب است! علی ببینید شرح صدر باید چقدر زیاد باشد تا انسان زنده باشد.

۶- شرح صدر امام مجتبی و سایر ائمه و امام زمان علیه‌السلام

امام حسن مجتبی علیه‌السلام، این‌ها را که عرض می‌کنم به خاطر معرفی شرح صدر است، امام مجتبی پای منبر بنشیند نه فکر کنید پدر من و امثال من را کسی فحش بدهد، لعن کند، خب پدر ما کسی نبوده، علی بن ابیطالب علیه‌السلام را! جسارت به او بکنند! من در یک کوپه‌ی قطار یک وقتی نشسته بودم یک

جوانی آمد در کوپه‌ی ما، یک جوان هم رفیق ما بود که همراه من بود، از او پرسید این رفیق ما که تو اهل کجایی؟ گفت: من اهل ترکمن صحرا، گفت: چه مذهب داری؟ گفت: من سنّی هستم، این یک حرفی زد علیه رهبر او، او هم علیه علی بن ابیطالب یک چیزی گفت من دیدم این جوان رفیق ما، این رگ‌های گردنش حرکت کرد، صورتش سرخ، بلند شد، اگر من نبودم و به او نمی‌گفتم تقصیر تو بود آن جوان سنّی را کشته بود، خیلی ناراحت. با اینکه هر دویشان مثل هم بودند تقریباً، آن هم رهبر داشت این هم رهبر داشت، علی را ما دوست داریم. علی بن ابیطالب علیه السلام را ماها اگر کسی کوچک‌ترین توهینی به او بکند یا خودمان اعصاب خودمان را خرد می‌کنیم یا اعصاب او را، این طوری هست.

حالا ببینید امام مجتبی علیه السلام با آن معرفتش، آخر ما چی از علی می شناسیم؟ چقدر معرفت داریم؟ خیلی کم، در مقابل امام مجتبی شاید یک سر سوزن از اقیانوس معرفت امام مجتبی علیه السلام ما داشته باشیم ولی امام مجتبی علیه السلام می گذرد این معنای شرح صدر است. خودش را کنترل می کرد، برای چه؟ زورش نمی رسد؟ والله و بالله من معتقدم شما خودتان می دانید که اگر اراده می کرد امام مجتبی علیه السلام همه نابود می شدند. قسم خوردم که اعتقادم را تحمیل نخواسته باشم کرده باشم به شما، صریح کلمات معصومین علیهم السلام است که می فرماید: «إِرَادَهُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ

مِنْ يُؤْتِكُمْ»^{۱۰} اراده‌ی آن‌ها اراده خداست، خدا اگر نمی‌توانست حضرت امام مجتبی علیه السلام هم نمی‌توانست. در عین حال شرح صدر نشان می‌دهد.

حضرت سید الشهداء علیه السلام، همین طور قیاس کنید سایر ائمه را، دیگر اگر من بخواهم همه‌شان را برایتان شرح حالشان را بگویم چند روز طول می‌کشد تا حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف امروز، همین امروز شما دوتا کار خلاف اگر در این خیابان ببینید، اعصابتان خرد می‌شود، ناراحت می‌شوید، خانه خوابتان نمی‌برد، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با همه‌ی احاطه‌ی علمی که بر همه چیز دارد و همه‌ی انحرافات ما را می‌بیند و

۱۰ - مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین (ع).

ملاحظه می کند و مسئول هم هست از جانب خدا، امام مردم است، معنی شرح صدر این است.

۷- تزکیه نفس، تنها راه ایجاد شرح صدر

از خدا بخواهید که خدا به شما این مراحل را بدهد و بعد شرح صدر هم بدهد که من معتقدم یکی از شرایط اولیه زمامداران، مدیران، تمام کسانی که از دو نفر به بالا زیر دستشان هست باید شرح صدر داشته باشند، و شرح صدر هم حاصل نمی شود جزء با تزکیه نفس و تزکیه نفس هم راهش هم همین است که شما دارید می روید، حالا گاهی می شود خدای تعالی به یک نفر مثل معجزه که سرطان را یک دفعه خدا

معجزه‌وار خوب می‌کند یک نفر هم ممکن است تزکیه شده باشد، خودش تزکیه بشود و به آن امید هم نمی‌شود ماند، یعنی شما هر کسالت بدنی که پیدا کردید فوراً حرکت کنید بگویید که بروم حرم شفا بگیرم بیایم، این راه را نخواستند خیلی باز باشد برای اینکه کارها روی روال صحیح خودش حرکت کند. والاّ برای حضرت رضا علیه السلام فرقی نمی‌کند که هر چه مریض در عالم هست با یک اراده شفایشان بدهد یا یک مریضی شب تا صبح پشت پنجره‌ی فولاد برود خودش را دخیل ببندد آخر صبح شفایش بدهند، خوب همان اول میدادید دیگر، این‌ها حساب دارد، همه‌ی حساب‌ها هم درست شده، منظم و حتی شده، علمی، دقیق.

۸- شرح صدر برای یک مربی لازم است

همه‌ی ائمه شرح صدر داشتند، لذا دستور این است که علماء شرح صدر داشته باشند. یک مطلبی را در ضمن عرض کنم. برای امام و پیغمبر و بیایم پایین برای معلم در عین اینکه شرح صدر لازم است در عین حال باید مربی هم باشد، یعنی جاهایی که حرفش را گوش می‌دهند، جاهایی که حرفش را می‌شنوند باید قاطعیت داشته باشد، جدی باشد، شرح صدر مال جایی است که باید انسان تحمل کند، نه جایی که حرفش را گوش می‌دهند و منظم می‌شوند و مرتب می‌شوند. ما یک شبی در جمکران صحبت می‌کردم بلندگو خراب شد من تندی کردم و حال اینکه همان شب هم می‌خواست درباره‌ی شرح صدر صحبت کنم، البته من

ادّعایی ندارم ولی آن جمع از آنجا به بعد حتّی در مجالس دیگرمان هم بلندگو دیگر وسط حرف من خراب نشد، به حرف من گوش می دهند باید بگویم. این را بدانید، اگر سخنان ائمه علیهم السلام را مردم گوش بدهند ان شاء الله گوش خواهند داد، آمادگی پیدا کنند، حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف بگوید حالا شرح صدر نشان بدهم بگذار بوش کار خودش را بکند، نمی دانم پوتین و کفش و این ها کارهای خودشان را بکنند و کاری نداشته باشم، شرح صدر نشان بدهم مثل اجدادم، اینکه نشد که، نمی شود دیگر، شرح صدر مال جایی است که آدم یا نمی تواند کاری بکند یا اگر بکند برخلاف مصالح است، یا اگر انجام بدهد مردم از دین بر می گردند، اینجا اشکال دارد ولی اگر گوش می دهند، من یک مطلبی

یک شبی یک چیزی در جلسه گفتم دیروز می بینم یکی از دوستان چند مورد را از آن حرف، حرف من هم تند بود، از آن حرف من استفاده کرد که این ها من را تربیت کرد، این طوری من را درست کرد، به فکر این مسائل افتادم. این طوری است.

من معتقدم تمام منبری ها، تمام ائمه جماعت، تمام شخصیت هایی که در رأس کار دینی و علمی و حتی سیاسی مردم واقع شدند شرح صدر در عین اینکه دارند باید قاطعیّت هم داشته باشند، هر کس حرف شان را گوش می دهد به او بگویند. حضرت موسی «رَبِّ اِشْرَحْ لِي صَدْرِي - وَ يَسِّرْ لِي اَمْرِي»^{۱۱} می گوید، آنجا می آید پیش فرعون، فرعون

۱۱ - سوره طه، آیه ۲۵ - ۲۶.

حرفش را گوش نمی دهد ولی یک عده هستند آنجا حرف او را گوش می دهند، آنقدر همین مردی که خدا شرح صدر داده به خاطر انحراف مختصر چند روزه ی بنی اسرائیل می بینید که موی سر برادرش را می گیرد می کشد. عصبانی می شود، الواح را می اندازد، در آیات قرآن زیاد شنیدید و دیدید و خواندید که حضرت هارون می گوید: «لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي»^{۱۲} ریش من را نگیر این ها حرف من را گوش ندادند، «فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ»^{۱۳} این دشمنهای شمااتم می کنند این ها را می گوید، خب آقای موسی شما شرح صدر داشتید! چرا اصلاً سامری را احترام می کردید، حالا خب یک کاری کرده، نه، آن گوساله ای

۱۲ - سوره طه، آیه ۹۴.

۱۳ - سوره اعراف، آیه ۱۵۰.

که درست کرده بود سامری که از طلا هم بود، همه طلاهایشان را آورده بودند جمع کرده بود این را حضرت شکست و ریخت در دریا، بعضی وقت ها حضرت موسی آنچنان عصبانی به این ها می شد که حساب نداشت، تا توانست بنی اسرائیل را نگه دارد، تا توانست یک عده ای را نگه دارد، اینکه می بینید ما اکثراً نمی توانیم با اصطلاح مواعظ مان عمیق باشد، موثر باشد، در بین مردم تأثیر کند برای اینکه در مقابل کسانی که حرف ما را گوش می دهند قاطعیّت ندارید، مبادا به او بر بخورد، خوب بر بخورد، بدش می آید بدش بیاید، نمی آید به جهنّم، دشمن می شود، شما این را بدانید، شما این را بدانید که الان شش میلیارد جمعیت کروی زمین، از این شش میلیارد یک میلیارد و نیم مسلمان هستند، از این یک میلیارد

و نيم، دويست سيصد ميليونش با ما شايد خوب باشند،
 مي بينيم همدیگر را، ولو شيعيان، بقيه هم دشمن شما
 هستند. به يك كسي گفتند: فلانی دشمن تو شدند، گفت:
 اين روی آن پنج ميلیارد و پانصد ميليون جمعيت، طوری
 نيست. خیلی جوش زن اين طوری می شود. البته ضمناً
 بدانيد اين حرف ها همه اش يك پهلوی، يك پهلوی نشود در عين
 اينكه بايد مردم را با محبت و با صميمت رهبری كرد و مردم را
 بايد به خدا رساند و همه تان مسئل هستيد، «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ
 كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^{۱۴} «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^{۱۵} اما حالا

۱۴ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۱۵ - سوره توبه، آيه ۷۰.

اگر شما وظایفتان را انجام نمی‌دهید، او رفت، چه بهتر. من یک وقتی در مشهد وقتی قانون بحث و انتقاد را تأسیس کرده بودیم ما را ساواک خواستند، رئیس ساواک به من می‌گفت: ما قانون را تعطیل می‌کنیم حرف‌ها و فحش‌های دیگر داد، من سرم را انداختم پایین به قول شما شرح صدر نشان دادم ولی وقتی گفت قانون را تعطیل می‌کنیم سرم را بالا کردم گفتم: خیلی متشکریم، خیلی تعجب کرد، خیال می‌کرد بدترین تهدید را کرده است. گفتم: برای اینکه من می‌روم پول جمع می‌کنم این طرف، آن طرف یک قانونی درست کردم، مردم می‌آیند خوب صحبت می‌کنند، یک قِران هم کسی به من نمی‌دهد، اگر شما این باری را که احساس می‌کنم خدا روی دوش من گذاشته شما بردارید بگذارید کنار هم پیش خدا

مسئول نباشیم، هم بارکشی نکنیم خیلی ممنون باید باشیم. و شما اینجا نشستید روزی چند ساعت، فلان مبلغ را حقوق می گیرید، خیلی هم خودتان را آقا معرفی می کنید، زحمتی هم ندارید. گفت: راستی می گوید؟ گفتم: خبرهای ما بیشتر از آنچه که خود ما می دانیم دست شماست، اگر غیر از این است بگو، گفت: موفقید اگر راست می گوید. آدم موفق همین طور باید باشد.

فقط و فقط خدا و برای خدا من نمی گویم این کاره هستم. من دعا کنید باشم و بشوم ولی بالأخره اخبار ما در دست شماها هست لااقل. شرح صدر داشته باشید، کوشش کنید در ضمن تزکیه نفس شرح صدر پیدا کنید چون همه تان بالأخره یک چند نفری زیر دستتان ممکن است قرار بگیرد، با کارگر در

خانه، با کارگر در مغازه، با کُلفت در خانه خانم‌ها یک جور برخورد نکنند که یعنی آن یک انسان و یک نژاد دیگر است من یک نژاد دیگرم، نه، مثل فضّه و فاطمه، با اینکه «لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ»^{۱۶} با حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام هیچ کس قیاس نمی‌شود. اما کارهای خانه را تقسیم کرده بودند، حضرت زهرا علیها السلام مواظب بود که همه‌ی بار روی دوش فضّه نباشد، آن هم انسان است.

خب ایام نوروز و ایام تعطیلی هست و دوستان ما هم یک عده شاید مسافرت هستند، البته چندان تأثیری نکرده، جمعیت نگاه نکنید ولی خب مخالف با مسافرت‌ها

۱۶ - عیون الأخبار، ج ۲، ص ۶۶.

نیستیم، آیات زیادی در قرآن هست که استحباب مسافرت را اصلاً بدون هیچ غرضی حتّی، خب مسافرت کردن، این را ثابت می کند. حالا هم که تعطیل هستید مسافرت ها عیبی ندارد، مواظب عفت خانم هایتان باشید، خانم ها مواظب عفت شوهرهایشان باشند، فرزندان شان را خوب تربیت کنند. امیدواریم که همه مان تحت تربیت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام واقع شویم.

«نسئلك اللهم و ندعوك باعظم اسمائك و بمولانا صاحب
الزمان يا الله يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و
يا الله و يا الله يا رحمن يا رحيم يا غياث المستغيثين، عجل
لوليك الفرج، عجل لمولانا العظيم الفرج، عجل لوليك الفرج»
خدایا همه ی ما را از یاران خوب امام عصر قرار بده، قلب

مقدسش را از ما راضی بفرما، خدایا حوائجش را برآور،
پروردگارا تنها حاجت ما فرج امام زمان است به آبروی آن
حضرت الساعه برآورده بفرما، خدایا مرض های روحی مان شفا
مرحمت بفرما، خدایا شرح صدر به همه مان مرحمت بفرما،
پروردگارا توفیق تزکیه نفس به همه مان مرحمت بفرما، خدایا به
آبروی ولی عصر قسمت می دهیم مریض های اسلام شفاء
عنایت بفرما، مریضه منظوره، مریض منظورالساعه لباس
عافیت بپوشان، اموات مان مخصوصاً مرحومه تازه گذشته را
غریق رحمت بفرما، پروردگارا به آبروی امام زمان ما را از
عزاداران حسین بن علی قرار بده، توفیق عزاداری در اواخر ماه
صفر را به ما مرحمت بفرما، عاقبت مان ختم بخیر بفرما. «وَعَجَّلْ فِي فَرْجِ مَوْلَانَا».

